

## اعتبار قرار تأمین در امر خواسته کیفری

سید حسن کمالی جلودار (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و وکیل پایه یک دادگستری)

اهمیت دادرسی فوری از جمله تأمین خواسته در اجرای عدالت قضایی بر کسی پوشیده نیست. بی‌گمان برخی از اشخاصی که ذمه آنها در قبال دیگری در نتیجه قرارداد یا الزامات خارج از قرارداد مشغول است، چنانچه نتیجه دادرسی را علیه خود پیش‌بینی نمایند درصدد اختفا یا انتقال اموالشان برآمده و به این ترتیب محکوم‌له را در استیفای حقوق قانونی خود با مشقت مواجه یا چه بسا برای همیشه محروم می‌نمایند. مقررات دادرسی فوری بویژه تأمین خواسته در خنثی کردن این زمینه بی‌عدالتی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. اما بی‌شک، در صورت عدم تبیین دقیق مقررات یاد شده، اهداف قانونگذار از وضع این تأسیس حقوقی چنان که باید تأمین نخواهد شد.

یکی از مسائل مورد اختلاف در رابطه با قرار تأمین خواسته، مدت اعتبار آن است. به این صورت که اگر متقاضی قرار تأمین خواسته پس از صدور آن، دادخواست مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را تا ختم رسیدگی و صدور حکم تقدیم ننماید، آیا قرار تأمین مورد نظر بی‌اثر می‌شود یا خیر؟ باتوجه به سکوت قانون آیین دادرسی کیفری<sup>(۱)</sup> در این خصوص، آیا می‌توان گفت به استناد ماده (۱۱۲)<sup>(۲)</sup> قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه شاکی ظرف ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته دادخواست ندهد به درخواست خواننده از قرار مذکور لغو اثر می‌شود؟ پاسخ به این پرسش مستلزم حل یک مسئله مهم دیگر است و آن اینکه آیا رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در فصل تأمین خواسته در پرونده کیفری نیز ضروری است؟

می‌دانیم تأمین خواسته در امر حقوقی تابع مقرراتی است که تقریباً به‌طور جامع در مواد (۱۰۸) الی (۱۲۹) ق.آ.د.م، تصریح گردیده. لکن در امر کیفری، قانونگذار تنها دو ماده (۷۴) و (۷۵) ق.آ.د.ک،<sup>(۳)</sup> را به این موضوع اختصاص داده و در نتیجه، این ابهام را به‌وجود آورده که آیا در مواردی که این قانون تصریح ننموده رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی لازم است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش اتفاق نظر وجود ندارد. برخی برآنند که مقررات آیین دادرسی مدنی در رابطه با تأمین خواسته در امر کیفری نیز قابل اعمال است و در مقابل،

گروهی خلاف آن را عقیده دارند. به نظر می‌رسد دلایل طرفداران نظر نخست را بتوان چنین احصا کرد:

۱- تأمین خواسته اساساً یک تأسیس حقوقی و تابع مقررات ویژه خود می‌باشد. همچنان که مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم در پرونده کیفری مطابق ماده (۱۱) ق.آ.د.م، مستلزم رعایت آیین دادرسی مدنی است، مطالبه و صدور قرار تأمین خواسته نیز تابع قانون مذکور است.

۲- قانون آیین دادرسی کیفری در مورد چند نکته اساسی مربوط به تأمین خواسته از جمله خسارت احتمالی، تکلیف دادگاه در مورد رفع موجبات تأمین و چگونگی مطالبه خسارت از طرف خوانده در مواردی که مآلاً حکم به نفع وی صادر می‌گردد ساکت است و در فرض لازم‌الرعایه نبودن مقررات آ.د.م، معلوم نیست که دادگاه در پرونده کیفری باید در خصوص موارد یاد شده به چه کیفیتی عمل نماید.

۳- ماده (۷۵) قانون آ.د.ک، رعایت مقررات آ.د.م، در خصوص تبدیل تأمین را لازم دانسته و به نظر نمی‌رسد این موضوع از مقررات قرار تأمین خواسته در مقایسه با موارد دیگری که در قانون آ.د.ک، بدان اشاره نشده خصوصیتی داشته باشد تا نتوان ق.آ.د. م، را در آن موارد نیز اعمال کرد.

اما دلایل مذکور قابل خدشه است؛ زیرا،

اولاً؛ اگرچه تأمین خواسته یک تأسیس حقوقی است لیکن منعی ندارد به اقتضای طرح آن در پرونده‌های کیفری احکام ویژه‌ای برای آن تعیین کرد. همچنان که در ق.آ.د.ک، قانونگذار برخلاف آنچه که در ماده (۱۱۶) ق.آ.د.م، آمده قرار تأمین خواسته را قطعی و غیرقابل اعتراض اعلام نموده است. به علاوه، لازم‌الرعایه بودن آ.د.م، در خصوص مطالبه ضرر و زیان برخلاف ماده (۱۲) ق.آ.د.ک سابق در ماده (۱۱) قانون جدید تصریح گردید. حال آنکه در مورد قرار تأمین خواسته جز در خصوص تبدیل تأمین به ضامن چنین تصریحی وجود ندارد.

ثانیاً؛ به نظر نمی‌رسد دادگاه در صورت عدم رعایت ق.آ.د. م، در مواردی چون خسارت احتمالی، رفع موجبات تأمین و مطالبه خسارت از طرف خوانده یا تبدیل توقیف اموال با دشواری مواجه شود؛ زیرا همچنان که عرف قضایی پذیرفته، برای صدور قرار تأمین

خواسته در پرونده‌های کیفری اساساً خسارت احتمالی اخذ نمی‌شود یا در مورد خسارت زیان‌دیده از صدور و اجرای قرار تأمین خواسته دادگاه می‌تواند به موجب عمومات مقررات مربوط به مسئولیت مدنی و آیین دادرسی مدنی اتخاذ تصمیم نماید. ضمن اینکه با رفع موجبات صدور قرار مورد بحث منعی برای لغو آن به وسیله دادگاه وجود ندارد، همان‌گونه که برای تبدیل تأمین نیز دادگاه مخیر است.

ثالثاً: تصریح به لازم‌الاتباع بودن قانون آ.د.م، در مورد تبدیل تأمین به ضامن، در قسمت اخیر ماده (۷۵) ق.آ.د.ک، بیشتر مؤید این استنباط است که قانونگذار در سایر موارد، رجوع به قانون مذکور را لازم ندانسته است. چه در غیر این صورت می‌توانست ضمن یک عبارت کلی اعمال مقررات قانون یاد شده را در همه موارد جز آنچه که بدان تصریح شده ضروری اعلام نماید.

رابعاً، مطالبه ضرر و زیان در مواردی که تحصیل مال معینی جزء عنصر مادی جرم باشد از قبیل سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ارتشا مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت آیین دادرسی مدنی نبوده، بلکه دادگاه رسیدگی‌کننده ضمن محکومیت کیفری، حکم به رد اموال تحصیل شده در نتیجه ارتکاب جرم به مالباخته خواهد داد. اما تردیدی نیست در این موارد نیز مطابق ماده (۷۴) ق.آ.د.ک، شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را درخواست کند. در این صورت لزوم تقدیم دادخواست ظرف ده روز پس از صدور قرار تأمین خواسته موضوع ماده (۱۱۲) ق.آ.د.م، منتفی است. با این وصف، لازم‌الرعايه دانستن سایر مواد قانونی مربوط به تأمین خواسته در امر کیفری دشوار می‌نماید.

خامساً: اداره حقوقی در نظریه شماره ۶۰/۴/۳-۷/۴۰۶ خود دادگاه را به رعایت مقررات ق.آ.د.م، در صدور قرار تأمین خواسته و بالطبع صدور دستور ایداع وجهی به‌عنوان خسارت احتمالی مکلف ندانسته است.

اکنون با فرض درستی نظریه اخیر، به پرسش نخستین بر می‌گردیم. با توجه به لازم‌الرعايه نبودن ماده (۱۱۲) ق.آ.د.م، در صدور قرار تأمین خواسته در پرونده کیفری، شاکی پس از صدور قرار مذکور تا چه زمانی می‌تواند دادخواست بدهد؟ به فرض عدم تقدیم دادخواست تا ختم رسیدگی و صدور حکم و نیز عدم تعرض متهم یا محکوم‌علیه به آن، آیا همچنان قرار تأمین خواسته به اعتبار خود باقی است؟ در پاسخ می‌توان گفت تا زمانی که ختم

رسیدگی اعلام نشده به صراحت ماده (۱۱) ق. آ. د. ک، مدعی خصوصی می‌تواند عندالاقضا با تقدیم دادخواست، ضرر و زیان از جرم را مطالبه نماید و بدیهی است در صورت عدم ارائه دادخواست با فارغ‌شدن دادگاه پس از صدور حکم، بقای اعتبار قرار تأمین خواسته موجبی ندارد. به همین علت دادگاه باید ضمن صدور حکم به لحاظ عدم تقدیم دادخواست از ناحیه مدعی خصوصی و صرف نظر از درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته لغو اثر نماید. با توجه به اختیار قانونی مدعی خصوصی برای تقدیم دادخواست تا اعلام ختم رسیدگی مقید کردن وی به مهلتی کمتر از آن برای تسلیم دادخواست پس از صدور قرار تأمین خواسته نیاز به نص قانونی دارد که آن نیز وجود ندارد. در نتیجه، اعتراض متهم به عدم تقدیم دادخواست مگر در آخرین لحظه قبل از اعلام ختم رسیدگی توجیه قانونی نخواهد داشت.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - در این نوشته منظور از قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی همان قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و حقوقی است که به اختصار ق. آ. د. ک یا ق. آ. د. م، گفته می‌شود.
- ۲- ماده (۱۱۲) ق. آ. د. م: «در صورتی که درخواست‌کننده تأمین تا ده روز از تاریخ قرار تأمین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد دادگاه به درخواست خوانده قرار تأمین را لغو می‌نماید.»
- ۳- ماده (۷۴) ق. آ. د. ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد دادگاه قرار تأمین خواسته را صادر می‌نماید. این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض است» ماده (۷۵): «در صورتی که خواسته شاکی عین معین نبوده و یا عین معین بوده لکن توقیف آن ممکن نباشد دادگاه معادل ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی متهم توقیف می‌کند و اگر تقاضای تبدیل توقیف اموال متهم به ضامن شود دادگاه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی عمل می‌نماید. قرار تأمین به محض ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.»